

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

نماز شب و شب زنده داری در سوره مزمل

شناسنامه مطلب	
t-324	کد مطلب
تزکیه‌ای / تقوای عمومی / ورود به آستان بندگی / مستحبات / نماز	رده
نماز شب، شب زنده داری، سحرخیزی، آیت الله مظاهری	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

درس اخلاق آیت الله مظاهری

شماره درس: ۳۷

تاریخ درس: ۱/۱۲/۱۳۷۵

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی.

در اول سوره مزمل دستورالعملی به پیغمبر اکرم (ص) داده شده است و در آنجا فرموده است که این دستورالعمل برای چیست. فرموده است که بار سنگینی به دوش تو آمده است. و برای اینکه این بار سنگین را به منزل برسانی به این دستورالعمل عمل کن. معلوم می‌شود که هر کسی در زندگی اگر به این دستورالعمل عمل کند موفق می‌شود. مخصوصا ما طلبه‌ها که بار سنگینی به دوشمان آمده است اگر به این دستورالعمل عمل کنیم موفق می‌شویم. و این دستورالعمل دستورالعمل خوبی است. انصافا یک نسخه ارزنده‌ای است و جزء جزء این نسخه در قرآن شریف و در روایات اهل بیت (ع) دیده می‌شود و نتایج آن هم در قرآن شریف و در روایات اهل بیت (ع) دیده می‌شود. جزء جزء این نسخه. و اینجا کل آن جزء جزء است و به تجربه اثبات شده است که خیلی کمک می‌کند. بزرگان هم فرموده‌اند که جزء جزء این دستورالعمل خیلی کار می‌کند. چه رسد به همه این نسخه و همه این دستورالعمل. و من از همه شما تقاضا دارم برای اینکه ما بتوانیم این بار سنگین را به منزل برسانیم به این دستورالعمل عمل کنید و اضافه بر این برای رفع گرفتاری‌ها خیلی خوب است. به تجربه اثبات شده است. برای برآمدن حاجات مخصوصا حوائج مهمه خیلی خوب است. به تجربه اثبات شده است. از اینها مهمتر برای سیر و سلوک که انسان بتواند این منازل سبعة را طی کند به مقام لقاء برسد به تجربه اثبات شده است که خیلی مؤثر است و علی کل حال این يك دستورالعمل و نسخه‌ای است که به درد همه می‌خورد. اما به درد ما طلبه‌ها برای اینکه کارمان کار پیغمبر (ص) است بیشتر به درد می‌خورد. اول این دستورالعمل «بیداری در شب» است. می‌فرماید: «یا ایها المزمل قم اللیل إلا قليلا نصفه او نقص منه قليلا او زد علیه و رتل القرآن ترتیلا» که این قم اللیل إلا قليلا نصفه او نقص منه قليلا او زد علیه معنایش این است که به اندازه وسعت باید شب‌زنده‌داری کنی. باید سحرخیز باشی. معنای یا ایها المزمل چیست؟ با یا ایها المدثر

معنایش چیست؟ شاید کسی بتواند بگوید که - بعد خودش معنا می‌کند «اَنَا سَلَنْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا تَقِيلًا» - معنایش این است که ای کسی که عباى نبوت به دوش گرفتی، قم اللیل إلا قلیلاً. باید سحرخیز باشی. از آن سحرخیزی باید کمک بگیری. شب بیداری مسلم اول شب را نمی‌گیرد. آیات فوق اول شب را نمی‌گیرد. و علاوه بر اینکه انصراف دارد، روش پیغمبر (ص) هم این بوده. که پیغمبر اکرم (ص) بلافاصله بعد از نماز عشاء می‌خوابیدند و نصفه شب به آن طرف بلند می‌شدند. از نصفه شب تا اذان صبح آنطور که در روایات هست و مرحوم صاحب وسائل هم روایات را در باب صلاة (جلد سوم) نقل می‌کنند متفرّق نماز شب را می‌خواندند. چهار رکعت نماز شب می‌خواندند يك مقدار می‌خوابیدند. دو دفعه پا می‌شدند وضو می‌گرفتند و چهار رکعت دیگر می‌خواندند. يك مقدار می‌خوابیدند دوباره پا می‌شدند و سحر، يك ساعت قبل از اذان صبح را قرآن می‌خواندند. شفع و وتر را می‌خواندند و بیدار بودند تا اول اذان صبح که نافله می‌خواندند و می‌رفتند نماز صبح. لذا از نصفه شب به آن طرف بود. و از نصفه شب به آن طرف هرچه نزدیکتر به اذان صبح می‌شد طراوت و حلاوت و جاذبه بیشتر می‌شود. و این از روایات فهمیده می‌شود و آنهایی هم که اهل این کارها هستند این حلاوت و جاذبه را می‌یابند. چنانچه قرآن شریف هم درباره مؤمنان می‌فرماید که مؤمن سحرخیز است «و فی اسحارهم یتستغفرون» در سحرخیزی استغفار می‌کند که بهترین استغفارها در نماز وترش است. و این چیزهای مسلمی پیش بزرگان است. یعنی آنها که می‌یابند نه می‌دانند. يك دفعه حرف دانستنی است و همین‌هاست که در قرآن و روایات اهل بیت (ع) هست و ما عالم هستیم که درست فرموده‌اند، اما گاهی هم علاوه بر اینکه می‌دانیم می‌یابیم. و آن کسانی که می‌یابند طراوت و حلاوت سحر را، آنها می‌گویند که نصفه شب به آن طرف هرچه نزدیکتر به اذان صبح می‌شود جاذبه بیشتر است. که می‌رسد به آنجا که راستی بعضی اوقات جاذبه او را به جایی می‌برد که به جز خدا نبیند و به جز خدا نداند.

يك روایتی از امام یازدهم سلام الله علیه است که بدون سحرخیزی کسی به جایی نمی‌تواند برسد. يك طلبه بخواهد علمش برای اسلام مفید باشد، بخواهد وقتی وارد تبلیغ می‌شود حسود نباشد و آن علمش غرور نیاورد. دیگر متکبر و خودخواه نباشد. دیگر راستی گذشت و ایشار و فداکاری اش به جایی رسیده است که حاضر است فدا بشود برای اسلام. اینها مسلماً بدون نماز شب تحقّق نمی‌یابد. قطعاً نمی‌شود یعنی

بدون سحرخیزی. چه برسیم به نماز شب. و این سحرخیزی باید باشد. و در آن سحرخیزی هم يك دفعه انسان مطالعه می‌کند خوب باز حرفی، مطالعه خیلی خوب است ثواب هم دارد اما آن جاذبه نماز شب را ندارد ثوابش شاید بیشتر از نماز شب و بیشتر از هر عبادتی باشد. همانطوری که مرحوم محدث قمی در مفاتیح از مرحوم صدوق صدوق از مشایخ نقل می‌کند که در شب قدر چه عملی افضل؟ مرحوم صدوق می‌فرماید که مشایخ فرمودند مذاکره العلم. خوب بله این افضل است از همین جهت هم مرحوم صاحب جواهر من دیده‌ام که جواهرشان را شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان اختتام کرده‌اند. استاد بزرگوار ما علامه طباطبایی شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان اختتام المیزان بوده است. استاد بزرگوار ما حضرت امام (ره) بعضی از کتابهایشان مخصوصاً کتابهای عرفانی را من دیدم شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان بوده است. اما آنکه الآن مراد بحث‌ام است. يك حرف افضل بودن است و يك حرف چه نسخه است برای كمك به ما؟ آن مذاکره العلم نیست. آن همان نماز شبی است که در سحر قرار داده‌اند. لذا قرآن می‌گوید «و فی اسحارهم یستغفرون» نمی‌گوید و فی اسحارهم یتعلمون. آن تعلم مسلماً ثواب بیشتری دارد اما اگر کسی جاذبه بخواد باید بُراق داشته باشد براق هم نماز شب است. «الصلوة معراج المؤمن» بنابراین حتماً باید ما طلبه‌ها نیم ساعت اقلّ قبل اذان صبح بیدار باشیم. این کار را نکنید خیلی ضرر می‌کنید. علم‌تان تاریک است. و علم تاریک به درد نمی‌خورد. دلتان تاریک است و دل تاریک به درد نمی‌خورد. زندگی‌تان گره دارد و در زندگی گره‌دار انسان نمی‌تواند نشاط داشته باشد و مخصوصاً همه اگر بخواهند در زندگی موفق باشند باید در زندگی نشاط داشته باشند و ما طلبه‌ها اگر بخواهیم موفق در کارمان باشیم با حال افسردگی با کلاف سردرگمی با اینها نمی‌شود باید يك نشاطی در زندگی باشد. کلاف سردرگم نباشیم. گرفتاری‌ها نباشد و این‌ها نماز شب می‌خواهد و این نماز شب را اوّل شب می‌توان خواند بعنوان تحییء می‌گویند من می‌گویم نه، بلکه ادا است. از اوّل شب تا آخر صبح ادا است. ساعت ۱۲ می‌توانیم بخوانیم و بخواییم خوب مسلم ادا است. بعد اذان صبح می‌توانیم بخوانیم خب مسلم مستحب است اما قضا است. اینها خوب است. اما آنکه به درد ما می‌خورد و آنکه نسخه است برای ما، «قم اللیل الا قليلا نصفه او نقص منه قليلا او زد علیه» این نصف شب به آن طرف و هرچه به اذان صبح نزدیک‌تر شود و به قول قرآن «سحرخیزی» و این سحرخیزی را من از همه‌تان تقاضا دارم در زندگی‌تان باشد. نباشد نمی‌شود. نباشد علمتان مفید نیست و فایده ندارد. ممکن است خیلی هم عالم باشید اما فرق است بین

اینکه علم مفید برای جامعه باشد یا نباشد. حتی برای خودت هم مفید نباشد. من زیاد تجربه کردم زیاد دیدم. مَلاهایی که علمشان برای خودشان هم مفید نیست. يك جمله‌ای مرحوم آقا (آقا باقر بهبهانی - آنکه الآن این جلسه ما مرهون اوست. انصافاً آقا باقر بهبهانی به عالم فقه و اصول خیلی خدمت کرد و این آقا در فوائد حائریه‌اش يك جمله‌ای دارد که شاهد بر عرض من است. ایشان شرایطی برای اجتهاد قائل است یکی ملکه قدسی است که این در کتابها نیامده است. یعنی در کتابهای فقهی نیامده که از شرایط اجتهاد بدانند. بعد ملکه قدسی را ایشان همین طور معنی می‌کند. ملکه قدسی آن است که الهام از طرف حق داشته باشد. ملکه قدسی آن است که اگر مطالب را استدلالی نشد، بیابد. بعد می‌فرماید این ملکه قدسی از کجا پیدا می‌شود؟ می‌فرماید از سحرخیزی. از کجا پیدا می‌شود؟ از اجتناب از گناه. گناه بیاید جلو و انسان پا گذارد روی گناه. بعد به این عنوانی که صحبت می‌کند ذیلش يك جمله دارد. به طلبه‌ها سفارش می‌کند مواظب باشید به فقهای بزرگ تا می‌توانید ارادت داشته باشید. سر قبرشان بروید. می‌فرماید که از آنها همین طور که از ائمه طاهرین (ع) حاجت می‌خواهید از اینها حاجت بخواهید. بعد حتی می‌گوید که نفوس ضعیفه به اینها بیشتر باید توّسل داشته باشند تا به ائمه طاهرین. تناسب این نفوس با علما و فقها بیشتر است تا با ائمه طاهرین بعدش هم می‌فرماید ایاك ثم اياك ثم اياك اینکے جسارتی به فقیهی بکنی. بعد هم می‌فرماید به تجربه برای من اثبات شده کسانی که ارادت به فقها و روحانیت ندارند اینها عاقبت به خیر نیستند و اینها در عالم تیه کلاف سردرگم، مخصوصاً در آخر کار هستند. عاقبت‌شان يك کلاف سردرگم هستند تا بمیرند. و این کلام مرحوم آقا باقر بهبهانی را بیست سی سال قبل که من دیدم و پیش خودم گفتم تجربه کنم و به تجربه برای من این فرمایش ایشان اثبات شده است. یعنی اهل علمی را من سراغ دارم و داشتم که راستی پربارند اما این بارشان این نتیجه عملشان نه برای خودش نتیجه داشت نه برای دیگران، نه برای دنیایش نتیجه داشت نه برای آخرتش. حالا بعضی علم‌شان برای دنیایشان مفید است برخی برای آخرتشان. اما به تجربه اثبات شده بعضی علم‌شان نه برای دنیایشان مفید است نه برای آخرتشان. يك عضو زائد، يك عضو افسرده، يك عضو عقده‌ای - که دیگر آن عقده‌اش هم باعث می‌شود چه غیبت‌ها چه تهمت‌ها چه زخم زبانها و بالاخره حجره‌اش می‌شود جای غیبت. حجره‌اش می‌شود جای فساد. به تجربه اینها ثابت شده است.

بالاخره سحرخیزی نباشد خیلی تاریک است. سحرخیزی نباشد کار ما اهل علم تاریک است و این سحرخیزی را می‌خواهیم حتماً باید در زندگی باشد و بر فرض هم شما خیلی کار داشته باشید نماز صبح باید بخوانید دیگر. خوب این نماز صبح را بگذارید اول وقت یعنی اول اذان صبح. نیم ساعت قبل اذان صبح پا شوید. تطهیری کنید. یک نماز شب ولو مختصر بخوانید. آن یازده رکعت. بعد تا مؤذن اذان می‌گوید نافله صبح‌تان بعد دیگر معلوم است موقع صبح است نماز صبح‌تان را بخوانید و بخوابید. به جای اینکه آن نیم ساعت قبل آفتاب بیدار باشید نیم ساعت قبل اذان صبح بیدار باشید. حالا بگوئید که خواب بین الطلوعین که کراهت‌تر است. خوب طوری نیست. برای شما اگر کار داشته باشید رفع کراهت میشود. ولی این کار حتماً باید بشود. اینکه شما نیم ساعت قبل طلوع آفتاب بیدار می‌شوید نیم ساعت قبل اذان صبح بیدار می‌شود و این خوابی که قبلاً می‌روید بعداً بروید. اگر کسی را داریم که نماز شب نمی‌خواند - البته در جلسه ما که چنین کسی را نداریم - و می‌خواهد نماز صبح‌اش را قبل از آفتاب بخواند. و به قول استاد بزرگوار ما حضرت امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه وقتی به ما می‌گفتند بیائید تجربه کنید و ببینید چه نتایج دارد. چهل روز راستی نماز شب بخوان. همین نماز شب‌های معمولی. ببینید چه گشایشی در کار پیدا می‌شود. اینکه در روایات داریم نماز شب خوانها نورانیت دارند دو تا معنا دارد. یک معنا اینکه آنها که چشم بصیرت دارند وقتی به او نگاه می‌کنند درخشندگی دارد. یک معنایش این است که نورانیت در کار، گره‌ها باز می‌شود. تجربه کردید بعضی اوقات آدم یک ساعت مطالعه می‌کند کار هفت هشت ساعت مطالعه را می‌کند. بعضی اوقات هفت هشت ساعت کار می‌کند کار یکساعت هم نمی‌شود. تجربه کرده‌اید همه شما چرا بعضی اوقات اینطوری می‌شود. اگر گناه در این جاها تأثیر داشته باشد بلکه مالا یعنی‌ها همین جاها اثر می‌گذارد. یک کارهایی بکنیم نتیجه دنیا نداشته باشد، نتیجه آخرت نداشته باشد موجب میشود که ما به جای اینکه یکساعت کار کنیم هشت ساعت کار می‌کنیم باز هم باز نمی‌شود. مطالعه مال ماست اما تفهیم مال خداست. دیگر این که حرف ندارد ما فقط مقدمات فراهم می‌کنیم. فقط مطالعه می‌کنیم. فقط استعداد پیدا می‌کنیم که درس خارج می‌توانیم بخوانیم. خوب این استعدادها مال ماست اما اینکه ما بفهمیم این مال خداست. اینکه خوب بفهمیم این مال خداست. اینکه درست بفهمیم این مال خداست. انسان بعضی اوقات مطالعه می‌کند اما بد می‌فهمد و راستی هم بعضی اوقات خیلی بد می‌فهمد. اینها از کجا پیدا می‌شود؟ همان پهلوی نشسته یکساعت مطالعه می‌کند اما

خوب می‌فهمد عالی می‌فهمد واقع می‌فهمد. جهل مرکب نیست. این از کجا پیدا می‌شود؟ اینها همه دست خداست. وقتی که لطف و عنایت خدا روی سر ما باشد پیشرفت مطالعه داریم علاوه بر این جهل مرکبمان کم است. وقتی دست عنایت خدا روی سرمان نباشد جهل مرکبمان می‌شود زیاد. یعنی وقتی خدا به ما نفهماند دیگر معلوم است ضلالت و جهل مرکب است. این جمله اوّل که «قم الليل الا قليلا نصفه او نقص منه قليلا او زد عليه و رتل القرآن ترتیلا» معنایش این است که همه و همه باید سحرخیز باشید به اندازه وسعتان. يك کسی مثل پیغمبر و آن هم کار کسی نمی‌تواند بگوید من کارم بیش از پیغمبر است. نه پیغمبر اکرم در ده سال هشتاد جنگ را پشت سر گذاشت. بعضی‌ها که بیشتر هم گفته‌اند و ریاست اسلام را حکومت اسلام را، آن کمبودهای در مکه و مدینه را، آن مصیبت‌های کمرشکن در مکه را، اما همین پیغمبر اکرم نصفه شب تا اوّل آفتاب بیدار بودند. من نمی‌دانم اوّل آفتاب دیگر می‌خوابیدند یا نه. بالاخره تا اوّل آفتاب بیدار بودند. آنکه مسلم است این است که فقط قبل از ظهر يك مقداری می‌خوابیدند. خواب قیلوله. خوب دیگر وقتی پیغمبر (ص) ساعت دوازده تا اوّل آفتاب بیدار باشند با آن همه کارها؛ می‌شود ما بگوئیم کار داریم پس نمی‌شود؟

حضرت زهرا (س) خوب خیلی کار داشتند اما بالاخره نصفه شب به آن طرف روی پاها می‌ایستادند تا پاها ورم کرد. پیغمبر اکرم (ص) هم همین طور. «طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقی» این را به شما بگویم هیچ کدام در روز قیامت نمی‌توانید بگوئید که نمی‌توانستم. نمی‌شد. نه. اگر بخواهیم می‌شود. هم می‌دانم هم می‌توانم. این کسانی که خوابشان می‌آید و بیدار هم نمی‌شوند و ساعت هم نمی‌تواند بیدارش بکند. حالا این يك بلیط هواپیما دارد به يك جای دوری. مثلاً به عمره برای ما دیگر عمره، و این اوّل اذان صبح حرکتش است. و نیم ساعت قبل از اذان صبح باید فرودگاه باشد. این خوابش می‌برد؟ نه، و ما که خوابمان می‌برد معلوم است نماز شب پیش ما به اندازه آن بلیط ارزش ندارد. و الا خوابم می‌آید کدام است؟ بیدار نمی‌شوم کدام است؟ نمی‌خواهیم. می‌دانی چه کسی می‌خواهد و بیدار هم می‌شود؟ «الركعتان فی جوف الليل احب الیه من خیر الدنیا و ما فیها.» خوب این دیگر خوابش نمی‌برد. اگر ما نماز شب را به اندازه يك بلیط ماشین نه بلیط هواپیما اهمیت می‌دادیم یا به کار روزانه‌مان که مثلاً می‌رویم در يك نهادی دیگر خوابمان نمی‌برد. دیگر خوابمان نمی‌آمد. دیگر نمی‌گفتیم نمی‌توانیم، نمی‌شود. اگر

نمی‌شود اگر نمی‌توانیم اراده‌مان مطلقاً ضعیف است یا روی آن کار ضعیف است. و راجع به این امر مهم - یعنی در مستحبات - شما هیچ چیز نمی‌توانید پیدا بکنید مثل این سحرخیزی حالا هیچ کار هم که انجام ندهید. این يك ساعت خیلی کار می‌کند و دیگر شما تجربه کرده‌اید. خروس این موقع‌ها چه جاذبه‌ها و چه لذت‌ها دارد. دیگر وقتی موقع اذان صبح می‌شود در روایات هست که خروس آن وقت يك تلاطمی دارد به نام «یا ایها الغافلون قوم» و راستی اگر اینطور باشد چطور خروس به ما بگوید «ایها الغافلون» خوب معلوم است يك جاذبه‌هایی هست که ما نمی‌توانیم درک کنیم. و الا چون جاذبه را درک نمی‌توانیم بکنیم از این جهت هم می‌گوئیم بیدار نمی‌شویم، نمی‌شود بیدار شویم، کار داریم، روز خوابمان می‌رود، روز چرتمان می‌برد، مطالعه‌مان ضرر می‌خورد، همه اینها بخاطر این است که داعی ضعیف است و من تقاضا دارم از همه شما، راجع به سحرخیزی داعی را قوی کنید. خیلی قوی؛ هیچ چیزی برای ما طلبه‌ها مهمتر از این سحرخیزی نیست. هیچ چیزی، حتی مطالعه. هیچ چیزی برای ما طلبه‌ها واجب‌تر - واجب اخلاقی - از این سحرخیزی نیست.

و نمی‌شود ما سحرخیز نباشیم. بروید در حالات علما و بزرگان و ببینید نمی‌شود سحرخیز نباشیم. و حتی شب زفافشان، شب مرگ پدرشان، شب مرگ پسرشان،... در حالات کاشف الغطاء دارد - بحثش خیلی مفصل است - وقتی دخترش را داد به آشیخ محمدتقی مسجدشاهی، - همانکه این اصول، این حاشیه بر معالم را نوشته است که الآن هم انصافاً اصول زنده است - در همان خانه خودش يك اتاق داد و این‌ها رفتند در حجله. سحر در زد. گفت برای شما آب گرم کرده‌ام فلان جا گذاشته‌ام پا شوید غسلتان را بکنید نماز شب‌تان را بخوانید!! از اینها نگذرید آقا. تا می‌شود کاشف الغطاء. می‌شود کاشف الغطاء وقتی که مرحوم صاحب جواهر به حرف او می‌رسد افتخار می‌کند حرفش را فهمیده است. «قال الاستاد الاکبر» يك جمله‌ای استاد بزرگوار ما مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی راجع به شیخ طوسی داشتند. هر وقت که آیت‌الله بروجردی به جمله شیخ طوسی می‌رسیدند می‌لرزیدند راستی واهمه داشتند که آیا می‌توان [حرف] شیخ طوسی را رد کرد یا نه؟ مرادم اینجاست که ایشان می‌فرمودند این شصت و سه سال ایشان دویست جلد کتاب نوشته، می‌گفتند ایشان علاوه بر اینکه عالم بود عابد بود. بعد می‌فرمودند این مصباح‌المتهجده را که ایشان نوشتند خودشان يك دوره به آن عمل کردند. آقای طلبه این معنای علم

است. يك دوره به آن علم کرد. بعد هم به قاعده «انذر عشیرتک الاقربین» واداشت يك دوره زن و بچه‌اش به آن عمل کردند، بعد اجازه انتشار داد. می‌گفت تا خود به آن عمل نکرده‌ام نمی‌شود دیگران به آن عمل کنند. تا زن و بچه‌ام عمل نکنند نمی‌شود دیگران به آن عمل کنند. بعد از آن انتشار داد. خوب این شیخ طوسی می‌شود شصت و سه سال عمر با آن همه گرفتاری‌ها. گرفتاری‌های شیخ طوسی از دست سنی‌ها خیلی بالا بود. محله کوخ را آتش زدند برای ایشان تا ایشان را در آن محله بسوزانند، کتابخانه شیعه ما، کرسی مرحوم شیخ طوسی را آتش زدند. اصول اربعه مائة ما از بین رفت. اما پابره‌نه تنها فرار کرد آمد نجف حوزه تشکیل داد. چطور می‌شود يك انسان در آن گرفتاری‌ها و درماندگی‌ها حوزه تشکیل دهد. آن هم اینطور بگیرد. حوزه نجف خیلی به عالم تشیع خدمت کرد. خدا را قسم می‌دهم به حق مولی امیرالمؤمنین دو دفعه این حوزه را يك رونق مثل قبل یا بهتر عنایت فرماید.

شیخ طوسی حوزه را تشکیل داد. چه نتایجی!! این همه گرفتاری‌ها، شصت و سه سال عمر کرده و دو‌یست جلد کتاب نوشته است. آن کتاب‌ها هم چیست؟ آیا فکر کرده‌اید که دو تا از کتابهای اربعه مائة از شیخ طوسی است؟ یعنی چکش مراجع دوتایش از شیخ طوسی است. تفسیر دارد: تبیان. مجمع البیانی که مثلش تا به حال نیامده برگرفته شده از تبیان است. کتاب خلاف دارد. یعنی اجتهاد دارد نه فقط در فقه شیعه بلکه در فقه سنی‌ها. آنها هم طوائف‌اش را نه فقط طوائف اربعه‌اش را!! خلاف را دیده‌اید دیگر. مبسوط دارد. فروعات مبسوط بیشتر از عروة است. چطور می‌شود؟ «رابطه با خدا»، بهترین رابطه‌ها با خدا «سحرخیزی» است. بعد از واجبات، بعد از اجتناب از گناه. عزیزان من نمی‌شود ما گناه بکنیم شیخ طوسی هم بشویم. نمی‌شود ما سحرخیز نباشیم شهیدثانی هم بشویم!، شیخ انصاری هم بشویم!؛ نمی‌شود. تقاضا دارم این سحرخیزی ولو کم را داشته باشید. در قافله سحرخیزها باشید ولو نیم ساعت ولو يك ربع ساعت قبل از اذان صبح. از شما تقاضا دارم در این قافله باشید تا إن شاء الله دست عنایت امام زمان (عج) در سحر روی دل شما قرار بگیرد و دل شما بشود مخزن علم امام زمان (عج).

و صلی الله علی محمد و آل محمد

